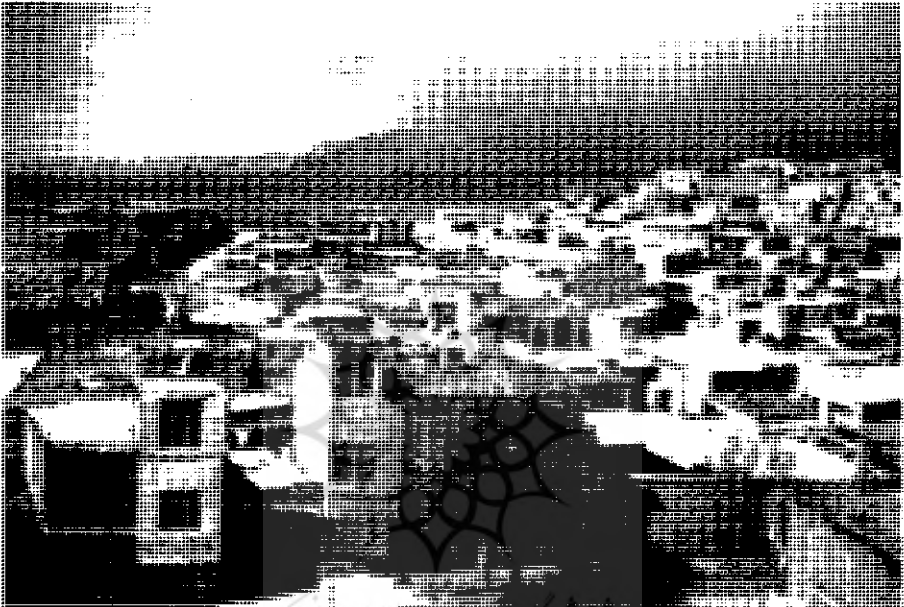


مجله‌ی «دو خواهران» نهاوند (۱)

دکتر عزیزالله بیات

اشاره :



نمایی از محله‌ی دوخواهران (عکاس : آیت صالحی ، اولتاسم سینی)

بخش اول از زبان دکتر عزیزالله بیات است. پیش از این (فرهنگان ۴، ص ۲۴ تا ۴۹) طی مصاحبه‌ای ایشان به عنوان استاد تاریخ در دانشگاه شهید بهشتی، از شرح حال و آثار و تألیفات خود سخن گفتند و اینک در مصاحبه‌ای دیگر، به نکاتی اشاره می‌کنند که عمدتاً به زادگاه ایشان در محله‌ی دوخواهران نهاوند مربوط می‌شود.

در بخش دوم نیز آقای آیت صالحی، که ساکن دوخواهران‌اند، این محله را از زوایای دیگر معرفی کرده‌اند، ضمن تشکر از هر دو همشهری گرامی، گفته‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

«فرهنگان»

من در سال ۱۲۹۹ شمسی در خانه‌ای قدیمی در محله‌ی دوخواهران نهادند به دنیا آمدم. خانه‌ی ما قدمتی سیصدساله دارد و اگر چه هم‌اکنون طبقه‌ی بالایی آن تخریب شده، اما طبقه‌ی زیر آن هنوز قابل استفاده است و از بستگان در آن ساکن هستند. طاق این خانه قوس ندارد و تخت و مسطح است و یک اثر کم نظیر در معماری سنتی است و به‌جا بود اگر سازمان میراث فرهنگی آن را مورد بررسی و کارشناسی قرار می‌داد.

تا آن‌جا که به خاطر دارم دو خاندان «بیات» و «صفی‌خانی» در این محله از گذشته‌های دور زندگی می‌کردند. اجداد این دو خاندان و در واقع دو ایل، در آغاز دو برادر بوده‌اند و در عصر صفویه جایگاه سیاسی و اجتماعی ممتازی داشته‌اند. رئیس ایل بیات مرحوم حسینعلی بیات مدتی به دستور شاه عباس به عنوان سفیر در اسپانیا مأمور می‌شود. بعدها به دلایل نامشخصی وی مورد غضب حکومت قرار می‌گیرد و به فرمان شاه عباس مجموعه‌ی ایل بیات به سراسر کشور پراکنده و کوچانده می‌شوند. عده‌ای در شهرهای اراک، شیراز، تویسرکان، آذربایجان و چند شهر دیگر و عده‌ای هم به شهر نهادند اقامت داده می‌شوند. بنابراین خانواده‌ی ما در این سه چهارقرن در نهادند زندگی کرده و عمدتاً در محله‌ی دوخواهران روزگار گذرانده‌اند و این محله برای ما محله‌ی انس و الفت و خاطرات فراوان است.

ارادت ساکنان این محله، از جمله ما خانواده‌ی بیات، به ائمه‌ی اطهار در طول قرن‌ها اقامت در شهر نهاوند از افتخارات ماست و حضور و همکاری اجداد و پدرانمان در هیئت‌های عزاداری و سینه‌زنی برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام بیانگر این ارادت بوده است و من خود در کودکی و در سال‌های اقامت در نهاوند در چنین جلسات و هیئت‌ها شرکت می‌کردم. به خاطر دارم هیئت‌های دوخواهران روزهای عاشورا، پس از طی کردن مسافتی در شهر، وارد قلعه می‌شدند و در داخل قلعه به اصطلاح «قتل را می‌بریدند». افسوس که این قلعه بعدها کاملاً تخریب شد و این اثر تاریخی و قابلیت‌های مردمی آن - که می‌توانست برای گردشگران داخلی و خارجی جاذبه داشته باشد - از بین رفت.

از شخصیت‌های قدیم خاندان بیات اطلاعی ندارم. تنها می‌توانم مطالبی درباره‌ی جد خود، که از کودکی به سبب فوت پدرم مرحوم ولی‌الله بیات، تحت حمایت او بزرگ شدم، بگویم. ایشان، یعنی جدم مرحوم شیخ محمدخان بیات در همین محله زندگی می‌کرد. وی ده دوازده سال در حوزه‌ی علمیه نجف تحصیل کرد و سپس تا پایان عمر در نهاوند مقیم شد. وی در فلسفه، منطق و زبان عربی تسلط داشت و از دوستان صمیمی مرحوم سید حسن مدرس شخصیت مبارز و انقلابی بود و با همدیگر مکاتبات فراوان داشتند.

متأسفانه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به دلیل اختناق و سخت‌گیری‌های حکومت پهلوی، امکان نگهداری این مجموعه از مکاتبات فراهم نشد و به ملاحظات سیاسی و امنیتی همه‌ی آن‌ها را سوزاندیم. اگر آن اسناد موجود بود حقایقی از شرایط و موقعیت سیاسی آن روز ایران و از جمله نهاوند را برایمان آشکار می‌ساخت. مرحوم شیخ محمدخان املاکی داشت و از این طریق معیشت خود و خانواده‌اش تأمین می‌شد.

آن مرحوم چندین همسر و حدود پانزده فرزند داشت. به خاطر دارم در یک سال قحطی و گرانی دستور داد مردم درختان بیشه‌ای را که در «پیل لاغه» داشت قطع کنند و با فروش آن‌ها خود را از گرسنگی نجات دهند.

وی از شاگردان و ارادتمندان مرحوم ملا احمد قدوسی نیز بود و همیشه از ایشان به نیکی یاد می‌کرد. مرحوم شیخ محمدخان نترس و شجاع بود و دیدگاه سیاسی و انقلابی داشت و بسیار روشنفکر و زمان آگاه بود و به فرزندان و نوه‌های خود تأکید می‌کرد به دنبال تحصیل باشند و حتی به خارج از کشور بروند تا بهتر بتوانند به شهر و کشور خود خدمت کنند.

پای‌بندی و اشتیاق مرحوم بیات به ادامه‌ی تحصیل فرزندانش به حدی بود که آن را جزء وصایای خود آورده بود. ایشان در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود املاک موروثی او را به تدریج بفروشند و از طریق فروش آن‌ها هزینه‌ی تحصیل در کشور و خارج از کشور فرزندانش را تأمین کنند. در نتیجه شخصیت‌های علمی برجسته‌ای از این خاندان و از این محله‌ی دوخواهران برخاسته‌اند که هم‌اکنون در کشور و خارج از کشور خدمت می‌کنند؛ از جمله دکتر ابوتراب بیات که بیش از هفتاد اختراع از وی در آلمان به ثبت رسیده است. دکتر بهروز بیات استاد فیزیک در دانشگاه آلمان؛ دکتر مجید بیات رئیس بخش بیهوشی در یکی از بیمارستان‌های فرانسه، دکتر ایرج بیات استاد انرژی اتمی در ایران و...

مرحوم شیخ محمدخان بیات به دلیل مخالفت‌هایی که با حکومت وقت داشت سرانجام ترور شد. قتل وی در سال ۱۳۲۴ شمسی اتفاق افتاد و ماجرای این ترور برای خاندانش در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت.

در آن سال‌ها شهر نهاوند کوچک بود و حدود هفت هشت هزار نفر جمعیت داشت و محله‌ی دوخواهران با محلات اطراف، کل شهر را تشکیل می‌داد. شهر با دروازه‌های متعددی محصور بود و غروب که می‌شد ارتباط بیرون با داخل شهر قطع می‌گردید. من به خاطر دارم با تاریک شدن هوا طبل‌ها به صدا در می‌آمد و مأموران هشدار می‌دادند کسی از خانه خارج نشود. در موارد اضطرار باید «اسم شب» را به عنوان مجوز عبور دریافت می‌کردیم تا بتوانیم از محله‌ای به محله‌ی دیگر و یا به خارج از شهر برویم. محله‌ی دوخواهران در شمال غربی شهر آن روز بود. یک طرفش دامنه‌ی قلعه و میدان پای قلعه (پا قلا) و طرف دیگرش امامزاده یتیمه و محله‌ی کلیمی‌ها و طرف دیگرش محله‌ی «گایلگا» بود.

در محله‌ی دوخواهران حمامی بود که اکنون اثری از آن نیست. من در سال‌های کودکی به این حمام می‌رفتم. تعدادی از ستون‌های معبد لائودیسه در آن جا دیده می‌شد. بعدها که تخریب شد نمونه‌هایی از ستون‌ها را در منزل بعضی ساکنان محله دیدم و هنوز آن ستون‌ها در بعضی خانه‌های محله دیده می‌شود.

نقل کرده‌اند کریم خان زند در تعقیب مخالفان خود چند روزی در نهاوند اقامت می‌کند و سپس به سمت کرمانشاه می‌رود. محل اقامت کریم‌خان در آن سال‌ها (حدود ۱۱۵۸ قمری) در همین محله و در مجاورت منزل ما بوده است.

درباره‌ی وجه تسمیه‌ی «امامزاده دوخواهران» گفته‌اند به سبب مدفون بودن دو دختر از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) در این محله بوده است. آنچه مسلم است حضرت معصومه علیها السلام دختر آن حضرت بوده که مسیرش در آمدن به ایران به شهر ساوه منتهی شده است. وی در آن‌جا دچار بیماری می‌شود و هنگامی که او را به قم

می آورند فوت می کند و هم اکنون حرم آن حضرت زیارتگاه مسلمانان ایران و جهان است.

اما درباره‌ی این دو امامزاده شجره‌نامه‌ای در اختیار نداریم و نمی‌توان درباره‌ی آن‌ها قاطعانه اظهار نظر کرد. به هر حال این زیارتگاه برای مردم این شهرستان و به خصوص اهالی این محله عزیز و محترم است و از قرن‌های گذشته تاکنون، به خصوص در شب‌های جمعه، مشتاقان زیارت آن دو بر مزار آنان حاضر می‌شوند و شمع روشن می‌کنند و زیارت‌نامه می‌خوانند.

نکته‌ی تاریخی مهمی که به محله‌ی دوخواهران مربوط می‌شود وجود معبد لائودیسه در آن است. می‌دانیم اسکندر مقدونی سرزمین‌های تحت تصرف خود را بین سردارانش تقسیم کرد. از جمله ایران در اختیار سلوکوس قرار گرفت و او در سال ۳۱۲ ق.م حکومت سلوکیه را پایه‌گذاری کرد. این حکومت تا ظهور اشکانیان ادامه داشت. نهند از شهرهایی بود که سلوکیه در آن استقرار داشت و معبد یونانیان در همین دوره ساخته شد.

نام این معبد در اصل «لائودیکه» بود، که کلمه‌ای یونانی است. اما به دلیل این که «گیرشمن» به عنوان مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی درباره‌ی این معبد در نهند مطالعاتی کرده و منابع اکتشافی را به زبان فرانسه منعکس نموده، آن را «لائودیسه» ضبط کرده است (به سبب تغییر آوای «ک» یونانی به «س» فرانسوی) و هم اکنون این معبد به لائودیسه معروف و شناخته شده است.

کتیبه‌ی مربوط به احداث معبد لائودیسه در سال ۱۳۲۲ شمسی هنگام خاک‌برداری در تپه‌ی مرکزی نهند (پای قلعه) کشف گردیده و هم‌اکنون در موزه‌ی ملی ایران

موجود است. تاریخ این کتیبه با سال ۱۹۳ قبل از میلاد تطبیق می‌کند و به خط یونان قدیم در سی و دو سطر حک شده است.^۱

به نظر می‌رسد اگر محل این معبد حفاری شود و بقایایی از این اثر تاریخی در معرض دید گردشگران قرار گیرد با استقبال زیادی مواجه می‌شود و بیش از دیگران یونانیان و مردم اروپا مشتاق دیدار از نهاد و محله‌ی دوخواهران خواهند شد. کم‌این که حدود سی سال پیش در داخل حیاط همین خانه‌ی مسکونی ما پس از دو سه متر حفاری برای چاه فاضلاب، قشری خاکستر بیرون افتاد که نشان می‌دهد بقایایی از آتشکده‌ی آن معبد بوده‌است.

قلعه‌ی معروف نهاد و مجاور همین محله‌ی دوخواهران واقع بوده و از قلعه‌های دیگر شهر مشهورتر است. همین جا یادآور شوم که در این شهر قلعه‌های دیگری ساخته شده‌اند؛ از جمله قلعه‌ای در «ترکان ترکان» و یا قلعه‌ی «حسنخانی» که هر دو در حاشیه‌ی شهر فعلی قرار داشته‌اند. قبل از سلسله‌ی افشار، ترکان عثمانی از این استحکامات استفاده می‌کردند. بعدها نادرشاه به نهاد آمد و ترکان مستقر در آن‌ها را بیرون راند.

قلعه‌ی محله‌ی دوخواهران از بناهای دوره‌ی ساسانیان است و سازندگان آن در ساخت آن از هنر معماری رومی‌ها اقتباس کرده‌اند. زیرا قلعه دارای طاق‌های متعددی بوده است و می‌دانیم قبل از ساسانیان قصرها و قلعه‌ها بدون طاق ساخته می‌شدند، چنان که در بقایای تخت جمشید می‌بینیم. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نهاد از دوره‌ی ساسانیان اهمیت یافت به طوری که برای احداث یک قلعه‌ی مستحکم چنین منطقه‌ای

۱ - تصویر کتیبه در فصل‌نامه‌ی فرهنگیان شماره‌ی هفت، صفحه‌ی دوم جلد، به صورت رنگی چاپ شده است. «فرهنگیان»

انتخاب شد. عامل دیگر برای اهمیت دادن به این شهر و ساختن قلعه در آن، طبیعت زیبای آن بوده است.

این قلعه بسیار محکم بوده است و هنگام سقوط یزدگرد آخرین شاه ساسانی و هزیمت وی از مدائن به ایران، همین قلعه جان‌پناه و پایگاه وی می‌شود و در واقع نهبوند برای پنج‌شش سال مرکز حکومت ساسانیان می‌گردد. کشف دفینه و گنجینه‌ها از آب انبار طلائی معروف نهبوند در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، تأییدی بر این استقرار موقت شاه ساسانی و حرمسرا و گنج‌های اوست!

با حمله‌ی مسلمانان مجاهد و رود رویی با سپاهیان یزدگرد عقب‌نشینی شاه ساسانی و ترک قلعه‌ی نهبوند آغاز می‌شود و چنان که مشهور است جنگ اصلی در منطقه‌ی کفرآش و دهفول اتفاق می‌افتد. نعمان بن ابی مُقرن یکی از سرداران مجاهدی بود که در همین جا کشته می‌شود و دفن می‌گردد. مدفن او امروزه به «بابا پیره» معروف است و در حاشیه‌ی شهر نهبوند واقع است.

اصولاً زیارتگاه‌هایی که در این منطقه شجره‌نامه ندارند و شناخت دقیقی از آن‌ها در دست نیست، از جمله چهل نابالغان در سراب گاماسیاب و موارد دیگر در جای جای این منطقه، احتمالاً از کشته شدگان در این جنگ بوده‌اند.

من به خاطر دارم در منزل مرحوم آقا شمس‌الدین ذکایی پیکان‌های سه‌گوشه‌ای را آورده بودند که زارعین محل (کفرآش و دهفول) به هنگام شخم زمین پیدا کرده بودند که احتمالاً به همین جنگ‌های مسلمانان با ساسانیان مربوط بوده است.

بعضی شواهد نشان می‌دهد که مسلمانان مهاجم از مسیر کنگاور به سمت نهان‌داز آمده‌اند. از جمله محلی در کنگاور بوده است به نام «قصر اللصوص: قصر دزدان» و عده‌ای از آنان در این محل غارت شده‌اند.

محل‌های دو خواهران هم چون محله‌های دیگر شهر دارای مجموعه‌ی متنوعی از آداب و رسوم و آیین‌های مذهبی و ملی هستند و از جمله ضرب‌المثل‌ها و مثل‌های زیادی هنوز هم در خاطره‌ی معمرین و بزرگ‌ترهاست. گویش این محله و محله‌های دیگر شهر برگرفته از «زبان پهلوی» بوده و هست؛ هرچند رو به فراموشی است. من بارها هشدار داده‌ام برای ثبت و ضبط این گویش اصیل که در حال نابود شدن است با افراد مسن و قدیمی مصاحبه شود و تلفظ آن‌ها ثبت گردد.

در بررسی‌هایی که زبان‌شناسان داشته‌اند معلوم شده تاکنون حدود شش هزار زبان و گویش در جهان از بین رفته است. بنابراین چه بخواهیم یا نخواهیم این گویش محلی دو خواهران و اطراف نیز از بین می‌روند. آن‌چه مزید بر علت شده آمیختگی شدید گویش‌های کردی و لری روستائیان مهاجر با گویش اصیل نهان‌دازی است که ضرورت بررسی و بازساخت آن را بیش‌تر نموده است.